فصلنامهٔ علمی مطالعات باستان‌شناسی پارسه
|| شمارهٔ ۱۸ || سال پنجم || زمستان ۱۴۰۰ ||
P. ISSN: 2645-5048 & E. ISSN: 2645-5706

تبیین و تحلیل شبکهٔ ارتباطی شهرهای ساسانی و نقش این شبکه در فتوحات اعراب

روح‌اله خسروی‌نژاد[I]
سهیلا ترابی‌فارسانی[II]
اسماعیل سنگاری[III]

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۳۲ - ۱۱۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴
شناسهٔ دیجیتال (DOI): 10.66224/PJAS.5.18.115

چکیده

قلمروهای گستردهٔ حکومت‌های ایران باستان، در نگاه نخست، افزون‌بر نمایش اقتدار و تسلط شاهنشاهان، این پرسش را در ذهن مخاطب شکل می‌دهد که حکومت‌های مرکزی چگونه سلطهٔ خود را بر این مناطق گسترش داده، از این سرزمین‌ها در برابر تهدیدات خارجی دفاع می‌کردند. در شاهنشاهی وسیع ساسانی، یکی از سیاست‌های شاهنشاهان این سلسله برای گسترش سلطهٔ خویش بر کشور، بنای شهرهای جدید و احیاء شهرهای کهن بود. این اقدامات لزوم احداث و بازسازی مسیرهای بین شهری را برای جابه‌جایی کالاها و سپاهیان به‌وجود آورد، به‌گونه‌ای که به‌تدریج شبکه‌ای گسترده متشکل از شهرها و مسیرها شکل‌گرفت. در این شبکه، شهرها نقش گره‌هایی را داشتند که منابع و تدارکات لازم را برای دولت مرکزی کنترل و فراهم می‌کردند؛ بنابراین می‌توان فرض کرد این شبکهٔ شهری علاوه‌بر گسترش قدرت، بر سقوط ساسانیان نیز تأثیرگذار بوده است. این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی به‌دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که شبکهٔ ارتباطی شهرهای ساسانی چه نقشی در فتوحات اعراب داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که شبکهٔ ارتباطی گستردهٔ شهرهای ساسانی نَه‌تنها لشکرکشی و جابه‌جایی سپاهیان اعراب را تسهیل کرد، بلکه آن‌ها توانستند با مسدودسازی راه‌های پشتیبانی، توان دفاعی شهرها را تضعیف ساخته، با در اختیار گرفتن نقاط اتصال این شبکه، یعنی شهرها، حضور و سلطهٔ خود را تثبیت کنند.

کلیدواژگان: ساسانیان، اعراب، شهرهای ساسانی، فتح، شبکهٔ ارتباطی.

I. دانشجوی دکتری تاریخ ایران قبل از اسلام، گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
II. دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسندهٔ مسئول).
Tfarsani@yahoo.com
III. دانشیار گروه تاریخ، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی ،دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مقدمه

وضعیت نابسامان اواخر دورهٔ اشکانی به ساسانیان که در آن زمان در فارس مستقر بودند، این فرصت را داد تا قدرت را به‌تدریج از دست آنان خارج و خود را به‌عنوان پادشاهان جدید ایران معرفی نمایند (سلوود، ۱۳۹۲: ۴۱). دغدغهٔ کسب مشروعیت و کنترل همه‌جانبه بر کشور، مانند هر سلسلهٔ نوپای دیگر، موجب شد تا پادشاهان نخستین ساسانی تلاش‌های خود را در جهت رسیدن به اهداف اولیهٔ پادشاهی متمرکز نمایند که در نقش‌برجسته‌های آنان نیز بازتاب یافته است (Canepa, 2009: 57-58; Sangari, 2020: 143). کنترل همه‌جانبه بر کشور، نیازمند ایجاد پایگاه‌ها و انجام تغییراتی در سازماندهی کشور بود که اشکانیان در جهت تأمین اهداف خود ترتیب داده بودند؛ این‌امر، شاهان ساسانی را با ضرورت سازماندهی و تجدیدنظر در الگوی اداری سیاسی موجود مواجه کرد که به بروز تغییر در نظام شهری ایران انجامید (یوسفی‌فر، ۱۳۹۰: ۶۷). اردشیر و دیگر شاهان ساسانی با بناکردن شهرها که در زمان باستان حق انحصاری پادشاهان بود و نام‌گذاری آن‌ها مرکب از نام پادشاه و جزئی دیگر مانند ایران یا خوره، آشکارا خود را فرمانروایان جدید ایران می‌نامیدند (هوف، ۱۳۹۲: ۴۹). شهرها توسط نظام یکپارچهٔ اداری تحت نظارت شهرب‌ها و دولت مرکزی قرارگرفتند که این‌امر موجب گسترش شهرهای شاهی و ازمیان رفتن شهرهای آزاد گردید (لوکونین، ۱۳۹۳: ۱۲۳)؛ درواقع، بنای شهرها وسیله‌ای برای تحت کنترل درآوردن تمام کشور توسط پادشاهان ساسانی بود و نفوذ آن‌ها در شهرها افزایش یافت (Pourshariati, 2008: 38). بدین‌ترتیب، شاهنشاهان ساسانی با بنا یا تغییر نام شهرها نَه‌تنها مشروعیت پادشاهی خود، بلکه سلطهٔ سیاسی خود را نیز بر سراسر کشور گسترش می‌دادند و منابع لازم را برای تسلط بر شهرهای دور و نزدیک این سرزمین پهناور در اختیار گرفتند.

مفهوم سرزمین را می‌توان مجموعه‌ای از نقاطی دانست که هر یک منبعی برای دولت مرکزی به‌حساب آمده و این نقاط توسط راه‌های دسترسی به یکدیگر متصل‌شده که توسط مرزهای انتخابی از آن‌ها دفاع می‌شود، ولی هرکدام از این نقاط توسط فضاهای محصور بدون استفاده احاطه شده‌اند (Smith, 2007: 28-29). مدل حکومت‌های باستان را می‌توان به‌عنوان شبکه‌های دست‌یابی به منابعی درنظر گرفت که ممکن بود یک شهر، مرکز تجاری یا معدن طبیعی باشد و تسلط خود را به‌وسیلهٔ مدیریت افرادی که تجارت، کنترل مالیات‌ها و زیرساخت‌ها و همچنین اجرای قوانین و عملیات نظامی را عهده داشتند، گسترش می‌دادند (Smith, 2005: 835-836). در این حالت، امپراتوری، درواقع یک شبکهٔ ارتباطی است که ازطریق آن کالاها جابه‌جا شده، شهرها به‌هم پیوند می‌خورند (Liverani, 1988: 86-92). در این شبکه، شهرها مانند گره‌هایی هستند که ازطریق سیستم‌هایی مانند جاده به یکدیگر و به یک نقطهٔ مرکزی متصل هستند و هنگامی که حکومت‌ها، نقاطی را که در اختیار دیگران بود به این شبکه اضافه می‌کردند، قلمرو آن‌ها افزایش می‌یافت (Smith, 2005: 838-839). براساس این مدل، حاکمان ابتدا تسلط خود را بر مهم‌ترین منابع منتخب برقرار می‌سازند و سپس راهروها و مسیرهای مهم متصل‌کنندهٔ این نقطه، به سیستم شبکهٔ امپراتوری را کنترل می‌کنند و حتی ممکن است که پیوندهایی به‌شکل جاده یا کانال، بین نقطهٔ جدید با دیگر نقاط برقرار سازند. بدین‌سان، افزون‌بر گسترش کنترل خود بر مهم‌ترین منابع، سرزمین با داده‌های اقتصادی و اجتماعی بسیار متغیر را مدیریت می‌کنند (Smith, 2007: 32-33). شبکهٔ ارتباطی ساسانیان و شهرهایی که در امتداد آن‌ها وجود داشت، تحت نظارت حکومت گسترش یافته بود و ارتباط بین بخش‌های مختلف امپراتوری را تسهیل می‌کرد (Miri, 2012: 104). نظارت بر راه‌های اصلی این شبکه در اواخر حکومت ساسانی، به سپاهبدان چهارگانهٔ شاهنشاهی ساسانی سپرده شده بود (Howar-Johnston, 2012: 125). این‌امر نشان از اهمّیت سیاسی و نظامیِ حفظ این شبکه برای ساسانیان داشت؛ زیرا همان‌گونه که «اسمیت» بیان کرده است، با از بین

رفتن شبکهٔ تعامل بین شهرها، فروپاشی حکومت‌ها امکان‌پذیر می‌شد (Smith, 2005: 838). بر این‌اساس، هدف پژوهش حاضر، این خواهد بود که فروپاشی دولت ساسانی و فتوحات اعراب را از دیدگاه رابطهٔ شبکه‌ای شهرهای ساسانی بررسی نماید.

پرسش پژوهش: پرسشی که در این پژوهش عنوان می‌شود این است که، هر یک از شهرهای ساسانی که در مسیر فتوحات اعراب قرار داشتند با توجه به موقعیت و جایگاه خود در شبکهٔ گسترده شهرهای ساسانی، چه نقشی در این رویداد داشته‌اند و چگونه بر آن تأثیرگذار بوده‌اند؟

روش پژوهش: گردآوری داده‌ها در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، و روش آن توصیفی-تحلیلی بوده است.

موضوع شهرهای ساسانی در آثار نویسندگان مختلف، بدون بررسی و تحلیل نقش آن‌ها در شبکهٔ گستردهٔ امپراتوری ساسانی مورد بحث قرار گرفته است. با توجه به این‌که نقش هرکدام از این شهرها در این شبکه بنابر ملاحظات و ضرورت‌های خاصی بوده، ضرورت مقایسه و تحلیل تأثیر این نقش در رابطه با چگونگی سقوط امپراتوری ساسانی احساس می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند مورداستفادهٔ پژوهشگرانی قرارگیرد که به مطالعهٔ پیشینهٔ تاریخی شهرها و اوضاع اواخر عهد باستان می‌پردازند.

پیشینهٔ پژوهش

مفهوم -امپراتوریِ شبکه‌ای- برای نخستین‌بار توسط «لیورانی» (۱۹۸۸م.) در رابطه با گسترش امپراتوری آشور در منطقهٔ فرات میانه بیان شد که در آن با بیان شرح لشکرکشی‌های آشوریان بیان می‌کند که تصرف سرزمین‌هایی که در طول زمان از دست رفته و دوباره تسخیر شده‌اند؛ درواقع گسترش امپراتوری و لحظات فتح جدید نیست، بلکه حضور آشوریان را در این مناطق تحکیم می‌کنند و دسترسی آشوریان به مناطق دوردست، تابع کنترل مناطق واسطه‌ای است که با ایجاد پایگاه‌های جدید حتی در فاصله‌های زیاد، قادر به جابه‌جایی کالا و نیروهای خود به‌وسیلهٔ این شبکه هستند. سپس این ایده توسط اسمیت (۲۰۰۵م.) توسعه‌یافت که در آن به چگونگی نقشه‌برداری حکومت‌های باستان، قلمرو و شبکه‌های آن‌ها می‌پردازد و با بررسی حکومت‌های باستان نظیر «اینکاها»، «موریان» و «ساسانیان» ازطریق داده‌های تاریخی و باستان‌شناختی نتیجه می‌گیرد که امپراتوری‌های باستان به‌عنوان شبکه به‌طور مؤثرتری درک می‌شوند و در بابِ ساسانیان نشان می‌دهد که شبکه‌ها می‌توانند هم ازطریق پیوندهای ایجاد شده بین مراکز جمعیت و هم در نتیجهٔ پیوندهای جدیدی که جمعیت به آن ها جلب می‌شود، رشد کنند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از این دیدگاه، ابتدا به مفهوم‌سازی امپراتوری ساسانی به‌عنوان یک امپراتوری شبکه‌ای می‌پردازد و سپس نقش این شبکه در فتوحات اعراب بررسی خواهد شد که می‌تواند جنبهٔ نوآوری این پژوهش باشد.

ایجاد و گسترش شبکهٔ شهرهای ساسانی

شاهنشاهان سلسلهٔ ساسانی سیاست خود را برای تسلط بر کشور، بر تأسیس شهرها و لزوم ارتباط بین آن‌ها بنا گذاشتند. بر این‌اساس، نظارت‌بر مسیرهای ارتباطی شهرها هم ازنظر تدارکات و پشتیبانی نظامی و هم ازنظر تجارت و درآمدهای آن برای دولت، اهمّیت یافت. این‌امر، به‌ویژه در مناطق مرزی از اهمّیتی دو چندان برخوردار بود؛ به‌گونه‌ای که حتی شهرهایی جهت پشتیبانی دیگر شهرها در خط مقدم مرزها به‌وجود آمد. دولت ساسانی لازم بود تا برای کنترل مناطق دوردست، در بادی‌امر مناطق داخلی و واسطه‌ای سرزمین خویش را تحت‌تسلط خویش درآورد. این‌گونه اقدام‌ها برای دولت فتح سرزمین‌های جدید نبود، بلکه حذف مراکز قدرت محلی و تحکیم حاکمیت بود که

ازطریق شهرها گسترش می‌یافت (Liverani, 1988: 92). توسعهٔ اولیهٔ اقتدار متمرکز آن‌ها هم‌زمان به تجمیع منابع و سرکوب رقبا بستگی داشت (Smith, 2005: 833-834).

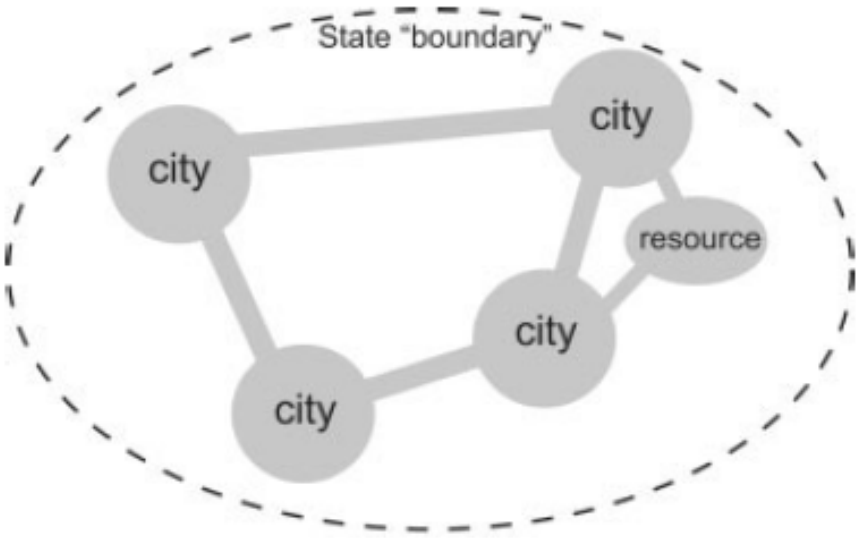
در آغاز کارِ ساسانیان، «اردشیر» به‌منظور تقویت توان دفاعی پایتخت جدید خود، اردشیرخوره، با حرکت در مسیر جادهٔ ادویه به‌سوی شهرهای خاراسن در ایالت میشان، شهر کرخ میسان را بنا می‌کند (طبری، ۱۳۸۳: ۵۸۳)؛ سپس با تغییر نام شهرهای عمدهٔ این منطقه، با نام‌های خاراکس و فرات (نزدیک بصره) به‌ترتیب به استرآباداردشیر و بهمن‌اردشیر، ضمن معرفی خود به‌عنوان فرمانروای جدید، سلطهٔ خود را تثبیت می‌سازد (Christensen, 2019: 68). بنای وه‌اردشیر در میان‌رودان اقدامی در جهت تقویت شبکهٔ ارتباطی شهرهای شاهنشاهی بود. قرارگرفتن این شهر در چهارراه گذر از شرق به غرب و بر سر راه مسیرهای زمینی و نهرهای منتهی به پایتخت، افزون‌بر رونق اقتصادی آنجا، نظارت‌بر آن‌ها را تسهیل می‌کرد (کریستن‌سن، ۱۳۶۸: ۵۱۲).

اردشیر، گسترش شبکهٔ شهری به‌سمت شرق و کنترل منابع آنجا را با گسترش سلطهٔ خویش هم‌سو می‌سازد. او در کرمان، بردسیر یا وه‌اردشیر را به همراه دژی بنا می‌کند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۲). این دژ در مسیر راهی بود که از سمت جبال و ماد و یزد به‌سمت نواحی جنوب‌شرقی فلات پیش‌می‌رفت و همچنین تأمین امنیت راه‌هایی را که به استان فارس می‌رفتند، بر عهده داشت (برونر، ۱۳۹۳: ۱۸۲-۱۸۱). درواقع، انگیزهٔ اصلی اردشیر از بنای شهر وه‌اردشیر در کرمان، علاوه‌بر کنترل خطوط ارتباطی و مسیرهای تجاری؛ کنترل ذخایر سنگ معدنی آنجا مانند: آهن، طلا، مس و نقره بوده است (Christensen, 2016: 181-182). ساخت شهر زرنگ در سیستان توسط اردشیر، توجه خاص او را برای توسعهٔ امپراتوری به‌سمت شرق نشان می‌دهد (شهرستان‌های ایرانشهر، ۱۳۸۸: ۴۰)؛ همچنین او استحکاماتی در ناحیهٔ آبادان و پُررونق بادغیس به‌وجود آورد، زیرا این ناحیه بر سر راه استراتژیک هرات به مرو قرار داشت و هدف از ساختن آن‌ها امنیت بخشیدن به راه‌ها بود (برونر، ۱۳۹۳: ۱۷۷).

سیاست تمرکزگرایی ساسانیان مستلزم دسترسی سریع و آسان به نقاط مختلف امپراتوری بود و به‌همین دلیل برای عبور از راه نصیبین به حلوان از شمال آدیابنه، «شاپور اول» شهر پیروزشاپور را بازسازی کرد (برونر، ۱۳۹۳: ۱۶۶). او شهر بزرگ دیگری در کنار راه شوش به فارس بازسازی و نام آن‌را «ویه‌آنتیوخ شاپور» گذاشت (شهرستان‌های ایرانشهر، ۱۳۸۸: ۸۴). اهمیت این شهر که با نام عربی‌اش جندی‌شاپور شناخته شده‌تر است، زمانی بالاگرفت که اردشیر اول، پلی بر رودخانهٔ دز ساخت و این‌امر رفت‌وآمد از این شهر به استان «ماه» و دو شهر «ماسبدان» و «مهرگان‌کدک» را تسهیل کرد (برونر، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

هم‌زمان با توسعه و گسترش شهرها و مسیرهای ارتباطی، حراست از آن‌ها نیز امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. در این حالت، حکومت‌ها به مثابهٔ شبکهٔ دستیابی به منابع تفسیر می‌شوند که در آن مناطق و مرزهای آن‌ها به‌طور انتخابی دفاع می‌شوند (Smith, 2005: 835)، (تصویر ۱). شاپوراول به‌منظور دفاع از مرزهای کشور در برابر تهاجم قبایل عرب و جابه‌جایی سپاهیان در مرزهای غربی و همچنین نظارت‌بر راه‌های بازرگانی، حیره را بنا کرد (برونر، ۱۳۹۳: ۱۶۲). خطر بالقوهٔ اعراب، ساسانیان را مجبور ساخته بود تا یک خط دفاعی شامل قلعه‌های کوچک نظامی به‌وجود آورند که بر نقاط مهمی از شبکهٔ ارتباطی نظارت می‌کردند (Howard-Johnston, 2012: 97-98)؛ همچنین شهر خنی‌شاپور در نزدیکی کرکوک امروزی توسط شاپور برای تقویت خط دفاعی در برابر رومیان بنا شد (طبری، ۱۳۸۳: ۶۰۱).

بازسازی راه‌ها و پل‌ها به‌منظور تسلط کامل دولت ساسانی بر شبکهٔ شهری حائز اهمیت بوده است. در مرکز ایرانشهر، شاپور اول، شهر بیشاپور در استان فارس را بنا می‌کند (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۴۶). احتمالاً در این شهر اسرای رومی در بازسازی راه‌های ارتباطی ازجمله بازسازی جادهٔ قدیمی



تصویر ۱. امپراتوری به عنوان یک شبکهٔ شهری (Smith, 2007: 30).

که از راه دروازه‌های پارس به خوزستان می‌رسید، شرکت داشتند (برونر، ۱۳۹۳: ۱۵۴). همچنین آن‌ها پلی را روی رودخانهٔ شوشتر مهندسی کردند (یعقوبی، ج. ۱، ۱۳۸۲: ۱۹۵). افزون‌بر مسیرهای ذکرشده، بیشاپور درمیان راه دو شهر بزرگ دورهٔ ساسانی، یعنی اردشیرخوره و شوش قرارداشت و جاده‌ای دیگر آن‌را به شیراز متصل می‌کرد (گروسی، ۱۳۸۸: ۱۸)، (تصویر ۲)؛ با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان «شاهنشاهی ساسانی» را به‌عنوان یک «امپراتوری شبکه‌ای» درنظر گرفت. در مدل امپراتوری شبکه‌ای، سرزمین‌ها از یک شبکهٔ راهرویی تشکیل‌شده‌اند که گره‌های جذاب منابع یا همان شهرها را به‌هم پیوند می‌دهند (Smith, 2007: 29). آن‌چه درپی می‌آید، شواهد بیشتری را در این مورد آشکار می‌سازد.



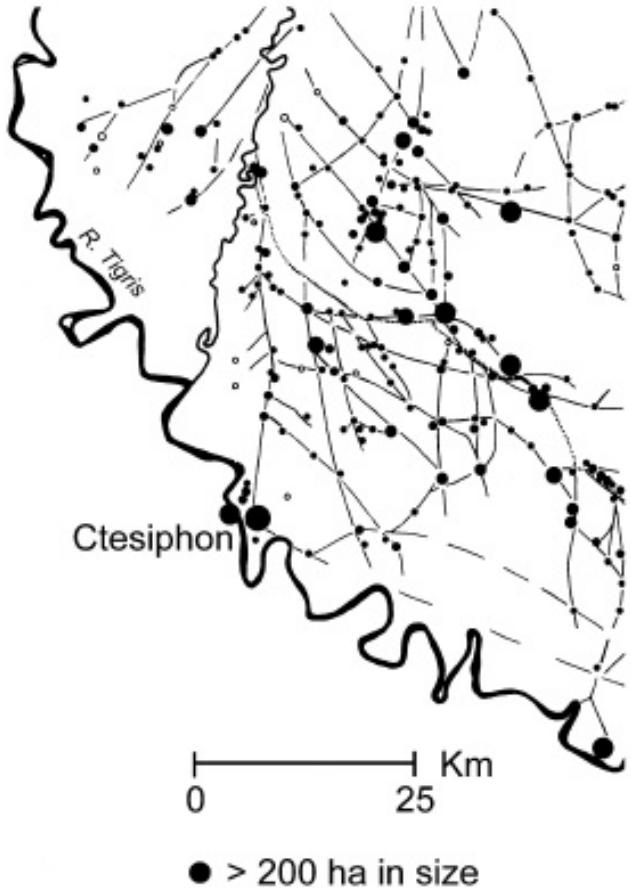
تصویر ۲. موقعیت شهر بیشاپور (Brosius, 2006: 171).

همراه با سایر نقاط امپراتوری، شاپور از شرق کشور نیز غافل نماند. بنای شهر نیشابور در خراسان در برخی منابع به شاپور اول نسبت داده شده است (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۴۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۴۴۹). استراتژی ساسانیان، تمرکز حداکثر نیرو در محل‌های نگه‌داری بزرگ، قوی و دارای برج و بارو بود و نیشابور از دژهای قدرتمند ساسانی در پشت کوه بینالود، نظارت‌بر مسیر نسبتاً باریک بین کوه‌ها و صحرای داخلی را به‌سمت جنوب کشور بر عهده داشت (Howard-Johnston, 2012: 98-99). نیشابور، پایگاه اصلی برای مقابله با حملاتی بود که از آسیای مرکزی و مناطق تورانی صورت می‌گرفت و محل تجمع سواره‌نظام زبدهٔ ساسانی بوده است (فرخ، ۱۳۹۲: ۸۹).

همچنین شرق کشور محل عبور مسیرهای مهم تجاری، ازجمله جادهٔ ابریشم بود که از شهرهای ساسانی عبور می‌کرد و نقش قابل‌توجهی در مبادلات تجاری دولت ساسانی داشت. شاهنشاهان ساسانی همواره تلاش می‌کردند تا تسلط خود را بر جادهٔ ابریشم حفظ نمایند تا بدین‌ترتیب از مزیت رقابتی آن در برابر امپراتوری بیزانس استفاده نماید و این‌امر موجب روند رو به رشد اقتصاد دولت ساسانی گردید (مرسلپور و فدوی، ۱۳۹۶: ۱۷۳). در اختیار داشتن شهر پوشنگ یا غوریان امروزی، تسلط ساسانیان بر درهٔ هری‌رود را نشان می‌دهد که پس از شکست «پیروز» از «هپتالیان»، کنترل ساسانیان بر این نواحی از دست رفته، ولی پس از پیش‌رَوی «خسرو اول» تا طالقان، هرات بار دیگر تحت سلطهٔ ساسانیان درآمد (Christensen, 2016: 197). شرقی‌ترین شهرها، یعنی شاپورگان و انبار در امتداد جاده‌هایی بودند که از طالقان به بلخ می‌آمد و احتمالاً در سده‌های سوم یا چهارم میلادی ساخته شدند تا افزون‌بر نظارت ساسانیان بر راه‌های بازرگانی آسیای میانه، جریان بازرگانی را به غرب هدایت نمایند و همچنین آن‌ها ازطریق کابل و پیشاور راه‌های بازرگانی را که ازطریق تنگهٔ خیبر به هند می‌رفت کنترل می‌کردند و ساسانیان به‌منظور تقویت موقعیت خود شهر کوشانی کاپیسه را ویران و احتمالاً در نزدیکی آن یا جلال‌آباد شهر جاویدشاپور را ساختند (برونر، ۱۳۹۳: ۱۷۹-۱۷۸). درواقع، داشتن استحکامات دفاعی پیشرفته و سربازخانه‌های بزرگ، ویژگی اصلی شهرهای ساسانی بودند که بر سر راه‌های استراتژیک بنا می‌شدند تا مانع از نفوذ دشمنان به داخل کشور شوند (هاوارد-جانستون، ۱۳۹۲: ۱۵۹) و بدین‌گونه ارتباط بین نقاط مختلف امپراتوری حفظ و نگه‌داری می‌شد.

ایجاد شهرها و قلعه‌های بی‌شمار که تراکم آن‌ها در سراسر شاهنشاهی ساسانی چشمگیر بود، به‌عنوان نقاط اتصال شبکهٔ شاهنشاهی ساسانی عمل می‌کرد، به‌گونه‌ای‌که تنها در مدائن، شش مرکز شهری شناسایی شده است (Smith, 2005: 840)، (تصویر ۳). توسعهٔ مراکز شهری ساسانیان را می‌توان از فهرست کاملی از مقامات، مانند «شهرب‌ها» و «صاحب‌منصبان» مختلف در کتیبهٔ پایکولی شاهنشاه «نرسه» استنباط کرد (Shaki, 1992: 655). «شاپور دوم» حفظ و دفاع از این شبکهٔ شهری امپراتوری را امری ضروری می‌دانست. او رشته‌ای از استحکامات را در کران بیابان ساخت که به «خندق شاپور» معروف بود (فرای، ۱۳۹۲: ۲۳۸). این موانع، نَه‌تنها جنبهٔ دفاعی داشتند، بلکه باعث افزایش نظارت ساسانیان بر محل‌های استراتژیک شدند.

اقدامات مشابهی توسط شاپور دوم در شمال کشور انجام گرفت؛ بنای دیوار معروف «دربند»، دست‌کم نتیجهٔ تلاش‌های او در ساختن استحکاماتی در شمال بوده است (فرای، ۱۳۹۲: ۲۳۸). افزون‌بر آن، بنای شهر سوق‌الجیشی «قزوین» به‌منظور تقویت خطوط دفاعی شمال را به شاپور دوم نسبت می‌دهند (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۸۴). در شمال، نقش مشابهی توسط «دوین»، پایتخت ارمنستان ساسانی، واقع‌در بزرگ‌ترین دشت در درهٔ ارس ایفا می‌شد و این شهر مسیرِ به‌سمت پایین رودخانه و دسترسی به دشت را مسدود می‌کرد یا ترجیحاً، پس از ورود نیروی مهاجم به داخل می‌توانست آن‌ها را به دام اندازد (Howard-Johnston, 2012: 99).



تصویر ۳. تمرکز مراکز شهری و ارتباط آن‌ها در اطراف تیسفون (Smith, 2005: 842).

حفظ و کنترل قلمرو توسط سرمایه‌گذاری‌های مختلفی، مانند ساخت سازه‌های دفاعی صورت می‌گرفت که دفاع از مرزها و امنیت شبکهٔ راه‌ها و نظارت‌بر جابه‌جایی مردم را برقرار می‌ساخت و بدین‌ترتیب، ساسانیان منابع مهم نیروی انسانی و کشاورزی را کنترل می‌کردند (Smith, 2005: 841). تلاش‌های ساسانیان برای تمرکز بخشیدن به قدرت و دسترسی هرچه سریع‌تر به مناطق مختلف امپراتوری همچنان در سده‌های پنجم و ششم میلادی نیز ادامه دارد. پیروز شاهنشاه ساسانی که بیشتر سال‌های پادشاهی خود را صرف آرام ساختن مرزهای کشور به‌خصوص در شرق و نبرد با هپتالیان کرد، شهرها و استحکاماتی را برای حفاظت از مرزهای شرقی برآورد؛ ازجمله نزدیک گرگان شهری ساخت با نام «روشن فیروز» (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۷۵). او در ناحیهٔ جنوبی دریای خزر و ری کنونی احتمالاً برای کنترل بیشتر بر مناطق دیلمی، شهری با نام «رام فیروز» ساخت (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۷۱). در شمال بغداد نیز به‌منظور حفاظت بیشتر از پایتخت، شهر کرخ فیروز و بناهای مستحکم برآورد (Christensen, 2016: 69). همچنین برای امنیت بخشیدن به مرزهای شمالی در کرانهٔ غربی دریای کاسپین و در ناحیهٔ آذربایجان شهری با نام «شهرام پیروز» پی‌افکند (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۷۱).

«قباد اول» پس از صلح با «قیصر روم» و دفع مهاجمان از مرزهای قفقاز، شهر «پرتو»[۱] را تبدیل به دژی مستحکم کرد و آن‌را «پیروز قباد» نامید تا مانع از تهاجمات بعدی آنان شود (کریستن‌سن، ۱۳۶۸: ۴۷۱). او برای تقویت نیروی دفاعی مقابل هجوم خزرها که گاهی تا شهر دینور را مورد تاخت‌وتاز خود قرار می‌دادند، چند شهر را با نام های «بیلقان»، «بردعه» و «خزر» در این ناحیه

بنا کرد و بین سرزمین «شروان» و «باب‌اللان» را با دیواری از خشت استوار ساخت (بلاذری، ۱۳۶۷: ۲۸۰). در ناحیهٔ استان «بلاسگان»[۲] که از گیلان تا دربند را شامل می‌شد، تهدیدات جدی «هون‌ها»، قباد را بر آن داشت تا پیروزقباد را با برج و باروهای مستحکم استوار سازد و این شهر زمینه‌ای را برای استحکامات بزرگی که خسرو اول در دربند برپا کرد، به‌وجود آورد (برونر، ۱۳۹۳: ۱۷۱). این موضوع نشان می‌دهد که تأمین امنیت و حفظ شبکهٔ ارتباطی شهرها همواره یکی از دغدغه‌های شاهان ساسانی در مقابل اقوام مهاجم بوده است و اهمیت این شبکه را خاطرنشان می‌سازد.

در اغلب مواقع، امنیت سرزمین‌های داخلی قلمرو ساسانی توسط نیروهای پادگان، تحت پشتیبانی یک نیروی ذخیرهٔ سیار، تأمین می‌شد و در شهرهای مرزی تلاش‌هایی صورت‌گرفت تا منطقهٔ نظامی در پشت مرز تقویت شود؛ خواه با ساخت یک سنگر بزرگ پشتیبانی‌کننده، برای مثال «نیشاپور»؛ خواه با ایجاد شبکه‌ای از قلعه‌های کوچک‌تر برای جلوگیری از پراکندگی دشمن و محدود کردن خسارات، مانند منطقهٔ «فرات» یا درهٔ «هیرمند»؛ و خواه با توسعهٔ خطوط ذخیرهٔ دفاعی، برای مهار نیروهایی که ممکن بود، استحکامات را بشکنند، مانند دیوارهای «دربند» و «گرگان» (Howard-Johnston, 2012: 104). در زمان «خسرو انوشیروان» دو شهر دیگر نیز در مسیر راهی قدیمی و بسیار مهم بنا شد. این راه از پایتخت، یعنی «تیسفون» به استان «ماه» در «ماد قدیم» می‌رسید و برای جابه‌جایی سپاهیان، کارمندان دولت و درباریان و حتی ابریشم بسیار مفید بوده که از «خسرو شاد هرمز» آغاز شده و به‌شهری با نام «بازیگان خسرو» می‌رسید (برونر، ۱۳۹۳: ۱۶۳). در پایان دورهٔ ساسانیان، کمربندی متشکل‌از اقامتگاه‌های دفاعی ایرانیان در پایگاه‌های «قادسیه» و در شهرهای پادگانی «حیره»، «انبار»، و «سنجار» به‌وجود آمده بود (Morony, 1984: 182).

مطالب بیان‌شده نشان می‌دهد که ساسانیان شبکهٔ امپراتوری خود را ازطریق ایجاد پیوندهای هدفمند، مانند: جاده‌ها، پل‌ها، کانال‌ها و... بین مراکز جمعیتی و یا ایجاد یک نقطهٔ اتصال جدید که همان تأسیس شهرها بود گسترش می‌دادند (Smith, 2005: 841)؛ سپس آن‌ها با استفاده از پادگان‌های پشتیبانی و استحکاماتی نظیر دیوارها و برج‌وباروها به حفظ و دفاع از شهرها می‌پرداختند. درواقع با درنظر گرفتن چنین مدلی، مفهوم دیوارهای محیط و دژهای شهری را می‌توان بهتر تصویرسازی و درک کرد؛ زیرا دشمنان هنگام فتح، تنها بر تصرف شهر تمرکز داشتند و از محیط اطراف غافل بوده‌اند و بدین‌سبب بود که شهرها درون دیوارها و دژها محصور بوده، زیرا پس از تصرف شهر، دشمن می‌توانست یکی از نقاط اتصال شبکه را در اختیار بگیرد و ارتباط آن‌را با شبکه قطع کند و دیگر زمین‌های اطراف آن چندان اهمیتی نداشت، مگر در قطع‌کردن نقاط دسترسی و جاده‌ها.

اختلال در شبکهٔ شهری و فتوحات اعراب

آغاز تهاجم اعراب از ناحیهٔ جنوب «آسورستان» یا همان «عراق» امروزی بود که اعراب مرتباً به مرزهای این ایالت دست‌اندازی می‌کردند. پس از برتخت نشستن «یزدگرد سوم»، با پیشرفت تدریجی آن‌ها در خاک ایران انگیزه‌هایشان برای تصرف مناطق بیشتر، افزایش‌یافت (طبری، ۱۳۸۳: ۱۵۸۸-۱۵۸۷). یزدگرد سوم به کمک «رستم فرخزاد»، به سروسامان دادن اوضاع پرداخت و سپاهیان مستقر در پادگان ها و شهرهای مرزی نظیر حیره، انبار و ابلّه را سازماندهی و از آن‌ها برای مقابله با اعراب بهره گرفت (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۳۴۷).

حیره، یکی از این نقاط استراتژیک بود که در محدودهٔ دو استان «بهقباد میانه» و «بهقباد پایین»، به‌عنوان دژی در مقابل دست‌اندازی‌های اعراب بیابانگرد به‌کار می‌رفت؛ ازسوی دیگر، برای اعرابی که از سمت بیابان به مرزهای غربی ایران می‌تاختند، کلید فتح آسورستان و پایتخت

ساسانیان بود (Frye, 1977: 55). افزون‌بر حیره، شهرهایی نظیر انبار، قادسیه و خورنق، در مقابل هجوم اعراب نقشی کلیدی داشتند (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۳۳۷). البته حیره و انبار شاخص‌تر بوده‌اند، زیرا حیره افزون‌بر نقش دفاعی از مرزهای غربی کشور، در مجاورت پایتخت قرار گرفته بود و نیازهای حیره به‌وسیلهٔ انبارهای آذوقه و مهمات شهر انبار مرتفع می‌شد (محمدی ملایری، ج.۱، ۱۳۷۹: ۱۸۰).

سیر فتوحات اعراب نشان می‌دهد که آن‌ها نیز از اهمیت این شهرها غافل نمانده، راه خود را برای دستیابی به پایتخت، در فتح این شهرها دیدند. چنددستگی سیاسی در تیسفون و هم‌زمانی آن با رویدادهای فتح حیره مانع از آن شد تا ایرانیان به اقدام جدی بر علیه سپاه اعراب دست‌زنند و آن‌ها مناطق میان حیره تا دجله را به‌راحتی از دست دادند (ابن‌اثیر، ۱۲۸۱:۱۳۸۳) و راه تصرف دیگر شهرهایی که دفاع از آن‌ها بر عهدهٔ حیره بود، برای اعراب بازشد (محمدی‌ملایری، ج. ۲، ۱۳۷۹: ۳۶۷).

پس از فتح حیره، لازم بود تا اعراب جایگاه خود را در این منطقه تثبیت کنند؛ بدین‌منظور، آن‌ها تصرف شهر «ابلّه» را هدف قرار دادند. اهمّیت شهر ابلّه از دو جهت بود؛ یکی، این‌که در رأس خلیج‌فارس قرار گرفته بود و از آنجا به‌سوی بحرین، عمان، هند و چین حمل می‌شد، بنابراین برای دولت ساسانی اهمّیت اقتصادی داشت (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۷۹). دو، دیگر آن‌که ابلّه به‌عنوان یکی از مستحکم‌ترین و مجهزترین پایگاه‌های ایران به‌شمار می‌رفت و نیروهای نظامی در آن شهر در دو جبههٔ دریایی و زمینی با متجاوزان پیکار می‌کردند (طبری، ۱۳۸۳: ۱۴۸۵). اعراب که به‌خوبی به نقش و اهمیت نظامی ابلّه آگاه بودند، برای جلوگیری از محاصرهٔ سپاهیان خود توسط ایرانیان به آنجا هجوم آورده، با این عمل راه امدادرسانی دیگر شهرها مانند اهواز و فارس را به حیره مسدود کردند (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۷۸). پس از ابلّه، تصرف «مذار» با هدف مسدودکردن راه آبی پایتخت بوده است. قایق‌ها می‌توانستند ازطریق کانال مذار و پس از طی مسیر شرقی دجله، راهی تیسفون شوند (Simpson, 2016: 42)؛ بدین‌ترتیب، با فتح شهرهای مهم نظامی مانند ابلّه و حیره، عملاً راه فتح تیسفون برروی اعراب گشوده شد و امکان کمک‌رسانی از فلات ایران به‌سمت تیسفون تا حد نسبتاً زیادی غیرممکن شد؛ زیرا تنها راه زمینی که از کوهستان‌های دشوار زاگرس می‌گذشت، باقی‌مانده بود و راه‌های آبی به‌سمت پایتخت ازطریق ابلّه مسدود ماند.

هدف بعدی اعراب در راه رسیدن به پایتخت، شهر انبار بود. نیروهای مستقر در انبار، وظیفهٔ محافظت از «نهرالملک» را برعهده داشت که در بالای پایتخت به دجله متصل می‌شد (Howard-Johnston, 2012: 100). به‌نظر می‌رسد مکان شهر به‌خوبی توسط بنیان‌گذار آن، شاپور اول سنجیده شده است. این شهر بر سر دو راه اصلی واقع شده بود؛ یکی، راه زمینی که ازطریق آن به تیسفون و جادهٔ خراسان متصل می‌شد، و دیگری، همان راه آبی که ازطریق آن به خلیج‌فارس و آب‌های آزاد راه داشت (محمدی‌ملایری، ج. ۱، ۱۳۷۹: ۱۹۱).

نبرد انبار با پیروزی اعراب به پایان رسید و به‌نظر می‌رسد دو رویداد در کامیابی اعراب بی‌تأثیر نبوده است؛ یکی، این‌که سپاهیان اسلام قبلاً مناطق اطراف را از برج‌ها و دژهای نظامی به‌منظور اطمینان از پشتِ سرخود پاکسازی کرده بودند، و دیگر، این‌که اعراب مسیحی منطقه نیز به کمک مسلمانان در منطقه می‌جنگیدند (بلاذری، ۱۳۶۷ :۳۶۳-۳۶۰). یزدگرد سوم پس از سقوط انبار به‌منظور دست‌یازیدن به اقدامی جدی علیه اعراب، سپاهیانی را در قادسیه بسیج کرد. قادسیه از مناطق مهم نظامی حیره بود که تجهیزات نظامی و پادگان‌های متعدد در آنجا متمرکز شده بود، ولی همان‌گونه که ذکر شد تا آن زمان این پادگان‌ها همگی از نیروی نظامی خالی شده بود و تجهیزات و سلاح‌های آنان همگی به‌دست اعراب افتاد (طبری، ۱۳۸۳: ۱۶۴۶)؛ ازسوی دیگر، مدتی که مسلمانان در قادسیه اردو زده بودند، تدارک لازم برای جنگجویان قادسیه ازطریق انبار

تأمین می‌شد (طبری،۱۳۸۳: ۱۶۴۹)؛ سرانجام نبرد قادسیه نیز در سال ۱۶هـ.ق. به‌سود مسلمانان پایان یافت (طبری، ۱۳۸۳: ۱۷۴۱). پس از نبرد قادسیه، عملاً فتح تیسفون برای اعراب میسر گشت. ایرانیان پل‌های ارتباطی تیسفون را با مشرق دجله بریده و در شهر متمرکز می‌شوند (طبری، ۱۳۸۳: ۱۸۰۳)؛ مقاومت ایرانیان در آنجا نیز شکسته می‌شود. تمرکز و هجوم سپاهیان عرب به این شهر برای حمله به سایر نقاط ایران افزایش‌یافت و کشاورزان و دهقانان منطقه به بازسازی راه‌ها و پل‌ها پرداختند و وظیفهٔ راهنمایی و پذیرایی از سپاهیان مسلمان را برعهده گرفتند (طبری، ۱۳۸۳: ۱۸۳۶). تردیدی وجود ندارد که فتوحات در جنوب عراق به‌دلیل خطوط ارتباطی داخلی که مسلمانان از آن‌ها بهره‌مند گردیدند، آسان بوده است (Donner, 1981: 269).

احتمالاً یکی از دلایلی که باعث شد ایرانیان پس از نبرد قادسیه به‌سمت «جلولا» عقب‌نشینی نمایند، افزون‌بر قرارگرفتن آن بر شاهراه خراسان به مدائن، رونق و آبادانی آنجا بود که کار لشکرکشی را تسهیل می‌نمود (محمدی‌ملایری، ج. ۲، ۱۳۷۹: ۲۸۷). نبرد جلولا، نُه ماه پس از جنگ قادسیه در سال ۱۶هـ.ق./۶۳۷م. روی‌داد و پس از آن، یزدگرد سوم به‌سمت جبال عقب نشست (طبری، ۱۳۸۳: ۱۸۳۷-۱۸۳۶). پس از نبرد جلولا، راه‌های دسترسی به گذرگاه‌های زاگرس و رسیدن به فلات‌مرکزی ایران در اختیار اعراب قرارگرفت و آن‌ها در تعقیب ایرانیان (طبری، ۱۳۸۳: ۱۸۳۱) به‌سمت خانقین در هفت‌فرسخی جلولا حرکت کردند که جزو مسیری بود که پایتخت ساسانی را به «حلوان» متصل می‌ساخت (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۴-۲۳).

دور انتظار نبود که اعراب برای رسیدن به فلات‌مرکزی ایران، ابتدا شهر حلوان و سپس کرمانشاه را تصرف نمایند. سقوط دو شهر اخیر، فتح ماد باستانی را تسهیل کرد. یکی از نبردهای اصلی در نهاوند رخ‌داد که احتمالاً یکی از خزانه‌های مهم سلطنتی در آنجا قرار داشت و دارای اهمیتی سیاسی بود (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۴۲۲). شاید به این‌دلیل، به‌عنوان محلی برای گردآوری لشکریان علیه اعراب انتخاب شد. درواقع، قلمرو سپاهبدان چهارگانهٔ امپراتوری در غرب فلات و سرزمین ماد به یکدیگر پیوند می‌خورد و در اینجا گذرگاه‌های باریک با زمین‌های چراگاهی و سرسبز گسترده، آن‌را به مکان مناسبی برای تجمع سپاهیان و تبدیل آن‌ها به یک نیروی واحد تبدیل کرده بود (Howard-Johnston, 2012: 126). اعراب برای جلوگیری از پشتیبانی ایرانیان ازطریق خوزستان و اصفهان، در مرزهای آنجا حضور یافتند و مسیرهای دسترسی به نهاوند را از این‌طریق مسدود کردند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۵۱۰). پس از نبرد نهاوند، راه فتح شهرهای مرکزی ایرانشهر به‌سوی اعراب گشوده شد. راه‌هایی که زمانی برای گسترش سلطهٔ ساسانیان بر شهرهای ایرانشهر مورداستفاده قرار می‌گرفت، توسط اعراب برای جابه‌جایی سپاهیان به‌کار گرفته شدند.

مسیر فتح بعدی اعراب از قزوین می‌گذشت؛ مکان شهر قزوین در مرزِ با سرزمین «دیلم» به آن موقعیتی ویژه بخشیده بود (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۶). قرارگرفتن آن بر سر راه‌هایی که به‌سوی آذربایجان، ری، همدان و دیلم می‌رفت آن‌جا را دارای اهمیتی اقتصادی و نظامی برای حکومت اقتدارگرای ساسانی کرده بود (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۸۴). شاهراه اصلی آذربایجان نیز که آنجا را به ماد و همدان متصل می‌کرد، پس از حملهٔ هراکلیوس به یک راه نظامی تبدیل شد (برونر، ۱۳۹۳: ۱۶۸). ظاهراً سال‌ها بعد همین مسیر مورداستفادهٔ اعراب قرار گرفته است. پس از تصرف قزوین، آنجا به پایگاهی برای اعزام سپاهیان عرب به‌سمت شهرهای شمالی و غربی ایران تبدیل شد و توانستند شهر زنجان را نیز که در آن‌زمان شهرستان کوچکی بود، ولی به‌دلیل قرارگرفتن بر سر راه ری و آذربایجان اهمیتی خاص داشت، تصرف کنند (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۸۴) و با اطمینان‌خاطر از جبهه‌های پشت‌سر خود، عملاً راه فتح ری بر آن‌ها هموار شد. راهی که از سمت قزوین به ری امتداد داشت (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۶)، برای جابه‌جایی سپاه اعراب به‌کار گرفته شد و آن‌ها به‌سوی قم حرکت کردند. قم، احتمالاً از دورهٔ قباد به‌بعد، به‌عنوان یک پاسگاه مستحکم در حاشیهٔ

بیابان و برای تأمین امنیت جادهٔ ری به یزد بوده است (برونر، ۱۳۹۳: ۱۷۴). با تصرف قم، مسیر کمک‌رسانی شهرهای شمالی به اصفهان و جنوب فلات ایران مسدود گردید. قطع ارتباط خراسان با شهرهای مرکزی ایران پس از فتح ری صورت گرفت؛ ری، گذرگاه حیاتی بود که شهرهای بزرگ غرب را به خراسان ارتباط می‌داد (Nicolle, 1996: 12).

روایت «طبری» دربارهٔ مشورت «عمر» با «هرمزان» درمورد هجوم به‌سمت اصفهان، آذربایجان یا فارس نشان از این‌امر دارد که اعراب به نحوهٔ ارتباط شهرها توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در این روایت، هرمزان، اصفهان را به «سر» و آذربایجان و فارس را به دو «بال» یک پرنده تشبیه می‌کند که اگر سر قطع شود، دو بال نیز از کار خواهند افتاد که احتمالاً منظورش اهمیت اصفهان در شبکهٔ ارتباطی شهرهای ساسانی و قطع ارتباط آن با سایر شهرها بوده است (طبری، ۱۳۸۳: ۱۹۶۶). می‌توان گفت اصفهان از نخستین اهداف برای فاتحان عرب بعد از جنگ نهاوند بود که کوشش فراوانی نیز برای تصرف آنجا انجام داده‌اند (Frye, 1977: 11-12). اصفهان به‌دلیل قرارگرفتن درمیان سه ایالت خراسان، فارس و خوزستان از موقعیت ویژهٔ اقتصادی برخوردار بوده است (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۱۰-۱۰۶)؛ درواقع، اصفهان به‌نوعی بارانداز و مرکز حمل‌ونقل به نواحی مختلف امپراتوری ساسانی بود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۵)؛ بنابراین با فتح اصفهان، علاوه‌بر بهره‌مند شدن از مزایای اقتصادی، نقطهٔ اتصال مرکزی شبکهٔ شهرهای ساسانی در اختیار اعراب قرارگرفت. بیان «زرین‌کوب» دربارهٔ -قلب پریشان امپراتوری ساسانی-، شاید زیباترین تشبیه برای شبکهٔ شهرهای ساسانی باشد که توسط رخنهٔ آرام و تدریجی، اما منظم اعراب شکافته شد (زرین‌کوب، ۱۳۹۴: ۲۳).

در شاهنشاهی ساسانی، «فارس» سرزمین اصلی و مهم قسمت جنوبی فلات ایران بود، به‌گونه‌ای که به گفتهٔ «یعقوبی»، سپاهبد جنوب لقب «اسپهبد فارس» را داشت (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۶۳). در زمان حملهٔ اعراب، استخر مرکز فارس به‌شمار می‌رفت. این شهر همانند چهارراهی بود که سواحل خلیج‌فارس را به ایالات خراسان، اصفهان و خوزستان پیوند می‌داد (برونر، ۱۳۹۳: ۱۵۳)، (تصویر ۴). اعراب قبل از حمله توانسته بودند با تصرف شهر «بیضا»، راه تأمین غله و آذوقهٔ استخر را مسدود نمایند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۱۲). به‌دلیل نقش مرکزی این شهر در اقتصاد، سیاست و دین، سقوطش ضربهٔ جبران‌ناپذیری برای مقاومت ایالت فارس داشت (Miri, 2012: 103).

نکته‌ای که در فتح فارس به‌چشم می‌خورد، تهاجم هم‌زمان اعراب به‌سوی چند شهر مختلف به‌منظور تصرف تقاطع‌های حیاتی فارس بود. هنگامی که سپاهیان فارس به فرماندهی شهرک برای مقابله با اعراب در «توّج» گرد آمده بودند، مسلمانان برای مقابله با آن‌ها به شهر توّج وارد نشدند و هرکدام از سرداران عرب به‌طور جداگانه به‌سمت شهرهای مختلف ایالت حرکت کردند؛ به‌عنوان مثال، «عثمان‌بن‌ابی‌العاص» به‌سوی استخر، «مجاشع بن مسعود ثقفی» به‌سوی توّج و اردشیرخوره رفت(بلعمی، ۱۳۶۶: ۵۴۲). مسلماً با این روش شکست نیروهای جداگانهٔ ایرانی برای اعراب آسان‌تر بوده است تا یک لشکر متحد و با این روش منابع انسانی و مالی ایرانیان نیز در جبهه‌های مختلف تحلیل می‌رفت.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که مطلوبیت شهرهای فارس برای اعراب نقش ارتباطی آن‌ها بوده است. اردشیرخوره، توزیع کالا را به مکان‌های دیگر در داخل و خارج از فارس تنظیم می‌کرد که نشانهٔ روشنی از اهمیت تجاری این شهر است (Miri, 2012: 103-104). «ارّجان» به‌عنوان بارانداز کالاهای خوزستان و آسورستان و اصفهان عمل می‌کرد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۴). درواقع، ارّجان به‌منظور تأمین امنیت راه‌های حمل‌ونقلی که در دو سوی رودخانهٔ «طاب» قرار داشت، تأسیس شده بود و پس از فتح، در دوران اسلامی نیز به‌عنوان یک چهار راه مهم ارتباطی بود (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۹۱). این اطلاعات به احتمال مدنظر مهاجمین قرارگرفته یا شاید توسط یاران ایرانی ایشان در نظرشان برجسته شده است. تسلیم‌شدن و متحدشدن ایرانیان با سپاه اعراب



تصویر ۴. موقعیت شهرها و شبکهٔ شهری ایالت فارس (Miri, 2012: 131).

سرعت پیشروی مهاجمان را دو چندان کرد؛ زیرا آن‌ها علاوه‌بر شناسایی مناطق و پادگان‌های مهم ازنظر نظامی، به مسیرها و اوضاع شهرها به‌خوبی آشنا بوده‌اند و راهنمای خوبی برای اعراب به‌منظور استفاده حداکثری از شرایط و غنائم جنگی بودند (موحد، ۱۳۹۸: ۸۷). استان «دارابگرد» نیز دارای دو شهر عمده به نام‌های «دارابگرد» و «فسا» بود (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۳۴). حدود این استان ظاهراً تا سواحل کرمان می‌رسید (برونر، ۱۳۹۳: ۱۵۳)؛ بنابراین، اعراب توانستند با تصرف آنجا به‌راحتی تا کرمان پیش‌رَوی نمایند. این درحالی بود که پس از فتح جبال و فارس مسیرهای تدارکاتی کرمان از غرب و شمال مسدود گردید و کویر لوت در شرق، رساندن تدارکات را با دشواری مواجه می‌ساخت.

در آن‌زمان «سیرجان» مرکز ایالت کرمان بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۵). این شهر به‌وسیلهٔ شاهرایی به استان فارس متصل بود که بنای آن‌را به یکی از کوشانشاهان ساسانی نسبت می‌دهند (برونر، ۱۳۹۳: ۱۸۱). مسیرها و راه‌های ارتباطی، بازرگانی کرمان را بیشتر به دو ایالت فارس و جبال مرتبط ساخته بود (برونر، ۱۳۹۳: ۱۸۰). «جیرفت» نیز مرکز نیمهٔ جنوبی ایالت کرمان بود که تا سواحل دریای فارس را شامل می‌شد (لسترنج، ۱۳۷۷: ۳۳۶). این شهر در مسیر شاهرایی قرار داشت که از ناحیهٔ مرکزی کرمان می‌گذشت (برونر، ۱۳۹۳: ۱۸۱). «مجاشع‌بن‌مسعود» پس از فتح جیرفت، در ایالت کرمان شروع به پیش‌رَوی کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۶۶۰). سربازان و مهاجران عرب در شهرهای کرمان مستقر شدند و پیش‌رَوی سربازان عرب به‌سمت شرق را سرعت بخشیدند (چوکسی، ۱۳۹۳: ۳۶). به‌نظر می‌رسد که اعراب ازطریق «نرمانشیر» که در کنار کویر سیستان قرار داشت به آن‌سو رفته‌اند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۱). این شهر در نیمهٔ راه «بم» و «پهرگ» قرار داشت که راهی از آن به سیستان و جنوب زرنگ می‌رسید (لسترنج، ۱۳۷۷: ۳۳۵). این شهر نقطهٔ اتصال کرمان با زرنگ در سیستان بود.

راه‌های ارتباطی ایالت سیستان با سایر ایالات از زرنگ می‌گذشت و از آنجا سه راه اصلی وجود داشت؛ راه جنوب‌غربی آن به پهرگ و کرمان، راه دیگری به جبال که هر دوی آن‌ها توسط اعراب مسدود شده بودند، و درنهایت، راه شمال‌شرقی آن‌که درنهایت به «طخارستان» می‌رسید (برونر، ۱۳۹۳: ۱۸۳). سیستان ازطریق شاهرایی که از زرنگ به «کرکویه» تا «بُست» و از آنجا به هرات می‌رفت با خراسان ارتباط داشت (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۵۸)؛ بنابراین، لازم بود تا با فتح زرنگ، راه

ارتباطی آنجا با خراسان نیز مسدود شود. با این عمل، یزدگرد سوم در خراسان به‌نوعی در محاصره قرار گرفت؛ زیرا تأمین نیرو برای مقابله با اعراب از سرزمین های ماوراءالنهر نیز با توجه به روند ترکی شدن آن‌ها از اوایل سال ۴۰۰م. امکان‌پذیر نبود، وگرنه این مناطق از پایگاه‌های تأمین نیروی سپاهی ایران به‌عنوان نیروهای پشتیبانی بوده‌اند (فرخ، ۱۳۹۲: ۹۲).

آخرین سنگر برای دفاع از امپراتوری و سلطنت ساسانیان، شهر «مرو» بود؛ این شهر به‌عنوان مرکز نظامی ساسانیان در مرز با سرزمین‌های ماوراءالنهر از اهمیت نظامی خاصی برخوردار بود (Frye, 1977: 30). شهر مرو، درواقع سنگر بیرونی قدرت ساسانیان و محل فرماندهی ناظر بر راه‌های منتهی به خراسان از آن‌سوی جیحون و یک پایگاه عظیم تسلیحاتی بود (Howard-Johnston, 2012: 98). استحکام و موقعیت ویژهٔ نظامی مرو بود که یزدگرد را برای احیاء سلطنت از دست رفتهٔ خویش بدانجا کشاند. قبل از رفتن یزدگرد سوم به‌سوی مرو، بر اعراب واجب بود تا پایگاه پشتیبانی آنجا، یعنی «نیشابور» تصرف شود؛ این شهر، یکی از دژهای مستحکم ساسانیان بود که افزون‌بر پشتیبانی از مرو، وظیفهٔ دفاع از مسیر باریک بین رشته‌کوه‌ها و کویر داخلی را برعهده داشت که به‌سمت غرب و داخل فلات ایران امتداد داشت (Howard-Johnston, 2012: 99). روایت طبری، فتح نیشابور را از جانب کرمان می‌داند که در آن سپاه «عبداله بن عامر» از سمت دو طبس/طبسین به نیشابور رسید (طبری، ۱۳۸۳: ۲۱۵۶). با تضعیف توان دفاعی مرو و به‌دنبال آن، مرگ یزدگردسوم و صلح حاکم مرو با اعراب، سقوط سلسلهٔ ساسانی در آنجا رقم‌خورد.

نتیجه‌گیری

کسب مشروعیت و گسترش سلطهٔ سیاسی از مهم‌ترین دغدغه‌های شاهنشاهان ساسانی بوده، که بنا کردن و گسترش شهرها را یکی از روش‌های دستیابی به آن‌ها می‌دانستند. همان‌گونه که در سطرهای پیشین ذکر آن گذشت، ساسانیان توانسته بودند با توسعهٔ مراکز شهری و راه‌ها، سلطهٔ خود را بر سراسر امپراتوری خویش گسترش داده و با ایجاد پایگاه‌هایی در نقاط استراتژیک، به حفظ و حراست آن همت گمارند. در نتیجهٔ این سیاست، شبکهٔ گسترده‌ای از شهرها و مسیرها به‌وجود آمد که سوای تسهیل رفت‌وآمد و رونق بخشیدن به تجارت، تدارکات نظامی را نیز سرعت بخشید. در این‌میان، برخی شهرها ازلحاظ سیاسی و اقتصادی از دیگر شهرها برجسته‌تر شده و تأمین و پشتیبانی نظامی و اقتصادی شهرهای اطراف را عهده‌دار شدند. شهرهایی نظیر نیشابور در خراسان یا استخر در فارس به‌همراه انبار در میان‌رودان از این‌قبیل بودند؛ ازسوی دیگر، شهرهایی به‌عنوان نقاط اتصال و چهارراه ارتباطی این شبکهٔ شهری عمل می‌نمودند که گاهی اوقات در صورت حذف از این شبکه، به‌طور هم‌زمان مسیرهای ارتباطی چند ایالت از دسترس و کنترل دولت مرکزی خارج می‌شد. شهرهایی مانند اصفهان یا قزوین به‌همراه ابلّه از این‌دست بودند. چنین روابطی باعث شده بود که با سقوط یک شهر، سایر شهرهای ایالت نیز شانس چندانی برای مقاومت نداشته باشند؛ برای مثال، فتح شهرهای ایالات آسورستان و فارس پس از سقوط حیره و استخر این‌گونه بوده است. بنابراین، هرگونه اختلال در ارتباط این شبکه می‌توانست بر عملکرد کل مجموعه تأثیرگذار باشد. با توجه به اهمیت این موضوع بود که ساسانیان سرمایه‌گذاری‌های مختلفی مانند ساخت دیوارها و خندق‌ها را برای حراست و نگه‌داری از شهرها انجام‌داده بودند. با این‌اوصاف، هجوم اعراب زمانی رخ‌داد که آشفتگی سیاسی و جنگ‌های داخلی اواخر دورهٔ ساسانی در کنار آثار مخرب جنگ‌های طولانی با بیزانس موجب تضعیف سپر دفاعی شبکهٔ شهرها شده بود؛ ازسوی دیگر، به‌نظر می‌رسد که اعراب هنگام هجوم به شهرهای ایران، توسط ایرانیانی که به لشکر اعراب پیوستند یا اعراب ساکن ایران به نحوهٔ عملکرد شبکهٔ شهری آگاهی یافته و به‌خوبی مسیرها و نقاط ارتباطی شهرها را شناسایی کرده، با مسدود ساختن راه‌های تدارکاتی و پشتیبانی،

فتح ایرانشهر را تسهیل کردند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نقش شبکهٔ ارتباطی شهرهای ساسانی از دو جهت در فتوحات اعراب چشمگیر بوده است؛ اول آن‌که، شهرها و مسیرهای بین شهری با تسهیل نمودن تدارکات نظامی، فتوحات اعراب را به‌ویژه در مناطقی مانند میان‌رودان و شرق کشور که تراکم شهرها بسیار بوده، تسریع کرده است. دوم آن‌که، برخی از شهرهای ساسانی که به‌منظور حفظ و حراست شبکهٔ شهری آن‌ها بنا شده بود، مانند قزوین یا نیشابور، توسط اعراب به‌عنوان پایگاهی برای اعزام نیرو به سایر شهرها مورداستفاده قرار گرفت.

پی‌نوشت

1. Partav
2. Balāsgān

کتابنامه

- ابن‌اثیر، علی‌بن محمد، (۱۳۸۳). الکامل فی التاریخ. ترجمهٔ سید محمدحسین روحانی، تهران: اساطیر.
- ابن‌حوقل، محمد بن علی، (۱۳۶۶). سفرنامه: ایران در صورةالارض. ترجمهٔ جعفر شعار، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- ابن‌خردادبه، عبیداله بن عبداله، (۱۳۷۱). المسالک و الممالک. ترجمهٔ سعید خاکرند، تهران: میراث ملل.
- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، (۱۳۴۹). تقویم البلدان. ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، (۱۳۴۰). المسالک و الممالک. ترجمهٔ فارسی از قرن ۶/۵ هـ.ق.، به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اصفهانی، حمزه بن حسن، (۱۳۴۶). سنی ملوک الارض والانبیاء. ترجمهٔ دکتر جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- برونر، کریستوفر، (۱۳۹۳). «تقسیمات جغرافیایی و اداری: ماندگاه‌ها و اقتصاد». تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمهٔ حسن انوشه، جلد سوم-قسمت دوم، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر، صص: ۱۸۸-۱۴۹.
- بلاذری، احمدبن یحیی، (۱۳۶۷). فتوح‌البلدان. ترجمهٔ محمد توکل، تهران: نقره.
- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد، (۱۳۹۲). تاریخ: تکمله و ترجمهٔ تاریخ طبری. تهران: البرز.
- ثعالبی‌نیشابوری، عبدالملک بن محمد، (۱۳۶۸). غرر الاخبار الملوک الفرس و سیرهم. ترجمهٔ محمد فضائلی، تهران: نقره.
- چوکسی، جمشید گرشاسب، (۱۳۹۳). ستیز و سازش: زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعهٔ ایران نخستین سده های اسلامی. ترجمهٔ نادر میرسعیدی، چاپ هفتم، تهران: ققنوس.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۹۴). «فتح ایران به دست اعراب و پی‌آمد آن». تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده: ریچارد نلسون فرای، ترجمهٔ حسن انوشه، جلد چهارم، چاپ یازدهم، تهران: امیرکبیر، صص: ۵۲-۹.
- سلوود، دیوید، (۱۳۹۲). «دولت‌های کوچک جنوب ایران». تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمهٔ حسن انوشه، جلد سوم - قسمت اول، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر، صص: ۴۲۷-۴۰۱.

- شهرستان‌های ایرانشهر، (۱۳۸۸). آوانویسی، ترجمهٔ فارسی و یادداشت‌ها از: تورج دریایی، ترجمهٔ شهرام جلیلیان، تهران: توس.
- طبری، محمدبن جریر، (۱۳۸۳). تاریخ الرّسل و الملوک. ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، تهران: اساطیر.
- فرای، ریچارد نلسون، (۱۳۹۲). «تاریخ سیاسی ایران در دورهٔ ساسانیان». تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمهٔ حسن انوشه، جلد سوم - قسمت اول، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر، صص: ۲۷۶-۲۱۷.
- فرخ، کاوه، (۱۳۹۲). سواره نظام زبدهٔ ساسانی. ترجمهٔ میثم علیئی، تهران: امیرکبیر.
- کریستن‌سن، آرتور امانوئل، (۱۳۶۸). ایران در زمان ساسانیان. ترجمهٔ رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- کولسنیکف، الی ایوانوویچ، (۱۳۸۹). ایران در آستانهٔ سقوط ساسانیان. ترجمهٔ محمدرفیق یحیایی، تهران: کندوکاو.
- گروسی، رضا، (۱۳۸۸)، پیکرهٔ شاپور اول. تهران: ماهی.
- لسترنج، گای، (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمهٔ محمود عرفان، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادمیر. گ، (۱۳۹۳). «نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری، مالیاتی و دادوستد». تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمهٔ حسن انوشه، جلد سوم- قسمت دوم، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر، صص: ۱۴۸- ۷۱.
- مارکوارت، یوزف، (۱۳۷۳). ایرانشهر برمبنای جغرافیای موسی خورنی. ترجمهٔ مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.
- محمدی‌ملایری، محمد، (۱۳۷۹). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی. جلد اول و دوم، چاپ دوم، تهران: توس.
- مرسلپور، محسن؛ و فدوی، مرضیه، (۱۳۹۶). «بررسی جایگاه جادهٔ ابریشم در دورهٔ ساسانیان». تاریخ‌نامهٔ خوارزمی، سال ۵، شمارهٔ ۱۸، صص: ۱۶۳-۱۷۵.
- مقدسی، ابوعبداله محمد بن احمد، (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم. ترجمهٔ علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- موحد، محمدعلی، (۱۳۹۸). در کشاکش دین و دولت. چاپ چهارم، تهران: ماهی.
- هاوارد-جانستون، جیمز، (۱۳۹۲). دولت و جامعه در ایران اواخر عهد باستان. ساسانیان. ویراستاران: وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران: مرکز.
- هوف، دیتریش، (۱۳۹۲). ساسانیان: شکل گیری و ایدئولوژی دولت ساسانی از روی شواهد باستان‌شناختی. ویراستاران: وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران: مرکز.
- یعقوبی، احمدبن اسحاق، (۱۳۵۶). البلدان. ترجمهٔ محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یعقوبی، احمدبن اسحاق، (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی. ترجمهٔ محمدابراهیم آیتی، جلد اول و دوم، چاپ نهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- یوسفی‌فر، شهرام، (۱۳۹۰). جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی دورهٔ سلجوقیان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Abu al-feda, E. E., (1970). *Taqvim al-Buldan. tr. Abdul Mohammad Ayati*. Tehran: Bonyād Farhang-e Iran Publication, (In Persian).

- Bal'ami, A., (2013). *Tarikh, Completion and translation of Tarikh-e Tabari*. Teharn: Alborz, (In Persian).

- Balādhurī, A. Y., (1988). *Futuh al-Buldān*. Tr.: Mohammad Tavakol, Tehran: Noqreh Publication, (In Persian).

- Brosius, M., (2006). *The Persians*. London & New York: Routledge Taylor & Francis Group.

- Brunner, Ch., (2014). *Geographical and Administrative Division: Settlements and Economy.* Edited by: Ehsan Yarshater, The Cambridge History of Iran. tr. Hasan Anousheh, Vol 3(2), Sixth Edition, Tehran: Amir Kabir Publication, 149-188, (In Persian).

- Canepa, M. P., (2009). *Two Eyes of the Earth: Art and Ritual of Kingship Between Rome and Sasanian*. Berkeley and Los Angeles, California: University of California Press.

- Choksy, J. K., (2014). *Conflict and Cooperation: Zoroastrian Subalterns and Muslim Elites in Medieval Iranian Society*. Tr.: Nader Mir Saeidi, Tehran: Qoqnoos, (In Persian).

- Christensen, A. E., (1989). *Iran Under Sasanian*. Tr.: Rashid Yasemi, Tehran: Donyaye Ketab Publication, (In Persian).

- Christensen, P., (2016). *The Decline of Iranshahr*. Trans.: from Danish by S. Sampson, London and New York: I.B.Tauris & Co Itd.

- Donner, F. M., (1981). *The Early Islamic Conquests*. Princeton, New Jersey: Princeton University Press.

- Farrokh, K., (2013). *Sasanian Elite Cavalry.* Tr.: Meysam Aliei, Tehran: AmirKabir Publication, (In Persian).

- Frye, R.N.(1977). The Golden Age of Persia:The Arab in The East. London: Weidenfeld and Nicolson.

- Frye, R. N., (2013). *The Political History of Iran Under the Sasanian*. Edited by: Ehsan Yarshater, The Cambridge History of Iran, tr. Hasan Anousheh, Vol 3(1), Seventh Edition, Tehran: Amir Kabir Publication, Pp: 217-276, (In Persian).

- Garosi, R., (2009). *Die kolossal-Status Šāpur I.* Tehran: Mahi Publication, (In Persian).

- Hoff, D., (2013). *The Forming and Ideology of the Sasanian State Based on archaeological evidence.* Sasanian. Edited by Vesta Sarkhosh Curtis & Sarah Stewart, tr, Kazem Firozmand, Tehran: Markaz Publication, Pp: 40-75, (In Persian).

- Howard-Johnston, J., (2012). *The Late Sasanian Army*. Late Antiquity: Eastern Perspectives. Bernheimer, T. Silverstein, A(Eds.). London: The Gibb Memorial Trust. 87-127.

- Howard-Johnston, J., (2013). *Government and society in Iran at the end of Antiquity. Sasanian.* Edited by: Vesta Sarkhosh Curtis & Sarah Stewart, tr, Kazem Firozmand, Tehran: Markaz Publication, Pp: 150-167, (In Persian).

- Ibn al-Athīr, A. M., (2004). *Al- Kamīl fi''l Tarikh.* Tr.: S.Mohammad Husayn Rouhani, Tehran: Asātir Publication, (In Persian).

- Ibn al-Hawqal, M. A., (1987). *Safarnāmeh: Iran in Sūrat al-Ardh*. Tr.: Jafar Sho'ār, Second Edition, Tehran: Amir Kabir Publication, (In Persian).

- Ibn Khurdadhbih, 'U., (1992). *Kitab al-masalik wa'l-mamalik.* Tr.: Saeid Khahrond, Tehran: Miras-e Melal, (In Persian).

- Isfahani, H. H., (1967). *Sinnī Muluk al-Ardh wa al-Anbiyā*. Tr.: Jafar Sho'ār, Tehran: Bonyād Farhang-e Iran Publication, (In Persian).

- Istakhrī, A. I.: (1961). *Masālik al-Mamālik*. Persian Translated from 5/6th AH Centuries, Edited by Iraj Afshār, Tehran: Bongāhe Tarjome wa Nashre Ketab, (In Persian).

- Kolesnikov, A. I., (2010). *Iran on the verge of the fall of the Sasanian*. Tr. Mohammad Rafigh Yahyaii, Tehran: Kand o Kāv Publication, (In Persian).

- Le Strange, Guy. (1998). *The Lands of The Eastern Caliphate*. Tr.: Mahmod Erfan, Fifth Edition, Tehran: Elmi wa Farhangi Publication, (In Persian).

- Liverani, M., (1988). *The Growth of the Assyrian Empire in the Habur Middle Euphrates Area a New Paradigm.* State Archives of Assyria Bulletin, Vol II(2), Pp: 81–98.

- Lukonin, V. G., (2014). *Political, Social and Administrative Institutions: Taxes and Trade.* Edited by: Ehsan Yarshater, The Cambridge History of Iran, Tr. Hasan Anousheh, Vol 3(2), Sixth Edition, Tehran: Amir Kabir Publication, Pp: 71-148, (In Persian).

- Maqdasi, A., (1982). *Ahsan al-taqasim fil marifat al-aqalim*. Tr.: Alinaqi Monzavi, Tehran: Sherkate Moalefan va Motarjeman Iran, (In Persian).

- Marquart, J., (1994). *Ērānšahr Mach der Geographie des ps*. Moses Xorenaci, Tr.: Maryam Mir Ahmadi, Tehran: Etelā' āt Publication, (In Persian).

- Miri, N., (2012). *Sasanian Pārs: Historical Geography and Administrative Organization.* Costa Mesa, California: Mazda Puplisher.

- Mohammadi Malayeri, M., (2000). *History and culture of Iran During the Transition From the Sasanian era to the Islamic era.* Second Edition, Tehran: Toos Publication, (In Persian).

- Morony, M. G., (1984). *Iraq After the Muslim Conquest*. Princeton, New Jersey: Princeton University Press.

- Morsal-Pour, M. & Fadavi, M., (2017). "Investigating the state of the Silk Road in the Sassanid period". *Kharazmi History,* Vol. V (18), Pp: 163-175, (In Persian).

- Movahed, M. A., (2019). *In The Struggle Between Religion and Government*. Fourth Edition, Tehran: Mahi Publication, (In Persian).

- Nicolle, D., (1996). *Sasanian Armies: The Iranian Empire early 3-rd to mid-7th centuries AD.* Kingswood Grove, Stockport: Montvert Puplications.

- Pourshariati , P., (2008). *Decline and fall of the Sasanian Empire*. London and New York: I.B. Tauris & co Itd.

- *Šahrištānīha-ī Ērānšahr*, (2009). Translated&Edited by: Touraj Daryaee. Tr.: Shahram Jaliliyan, Tehran: Toos Publication, (In Persian).

- Sangari, E., (2020). "L'iconographie et le statut de femmes sur les bas-reliefs sassanides (224-651apr.J.-C.)". *Iran and the Caucasus,* No. 24, 2020, Pp: 139-166.

- Sellwood, D., (2013). "Minor States in Southern Iran". Edited by: Ehsan Yarshater. *The Cambridge History of Iran*. Tr.: Hasan Anousheh, Vol. 3(1), Seventh Edition, Tehran: Amir Kabir Publication, Pp: 401-427, (In Persian).

- Shaki, M., (1992). "Class System". *Encyclopædia Iranica*, Vol V(6), Pp: 652-658. available online at http://www.iranicaonline.org/articles/class-system-iii(Last Updated 21 October 2011).

- Simpson, ST J., (2016). "Ard Maysan and the Land behind Basrah in Late Antiquity". *Basra Its History*, Culture and Heritage. Collins P(ed.). Dorchester: Dorset Press, Pp: 35-47.

- Smith. M., (2005). "Networks, Territories, and the Cartography of Ancient States". *Annals of the Association of American Geographers*, Vol. 95(4), Pp: 832–849.

- Smith, M., (2007). "Territories, Corridors, and Networks: A Biological Model for the Premodern State". *Wiley Periodicals Interscience,* Vol. 12(4), Pp: 28-35.

- Tabari, M. I. J., (2004). *Tarikh al-Rusul wa "l-Muluk*. Tr.: Abolghasem Payande, Third Edition, Tehran: Asātir Publication, (In Persian).

- Tha'ālibi Neyshaburi, A. I. M., (1989). *Ghurar Akhbār, Muluk al-Furas wa Siyarihum*. Tr.: Mohammad Fazaeli, Tehran: Noqreh Publication, (In Persian).

- Yaqubi, A. I., (1977). *Al- Buldān*. Tr.: Mohammad Ibrahim Ayati, Tehran: Bongāhe Tarjome va Nashre Ketab, (In Persian).

- Yaqubi, A. I., (2003). *Tarikhe Yaqubi.* Tr.: Mohammad Ibrahim Ayati, Vol. 1, Ninth Edition, Tehran: Elmi wa Farhangi Publication, (In Persian).

- Yusefifar, Sh., (2011). *An Introduction to the Urbanization in the Seljuk Period*. Tehran: Institute for Humanities & Cultural Studies, (In Persian).

- Zarrinkūb, A., (2014). "The Arab Conquest of Iran and Its Aftermath". Edited by: Richard N. Frye. *The Cambridge History of Iran*. Tr.: Hasan Anousheh, Vol 4, Eleventh Edition, Tehran: Amir Kabir Publication, Pp: 9-52, (In Persian).